

نقد فضیلت‌های اخلاقی در رمان‌های فریبا وفی (رؤیای تبت، پرنده من و ترلان)

رضا اویسی

کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

چکیده

نقد اخلاقی یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های نقادی است که در آن، ارزش‌های اخلاقی معیار ارزیابی آثار ادبی قرار می‌گیرد، نقادان در این شیوه، اشعار و سخنان سازگار با اخلاق و حکمت را ستایش می‌کنند و هر آنچه با شئون اخلاقی در تضاد باشد، نکوهش می‌نمایند. فریبا وفی یکی از زنان نویسنده‌ای است که بسیاری از بایدها و نبایدهای اخلاقی را در آثار خود منعکس کرده است. تشریح و تبیین این موارد به درک بهتر آثار او کمک شایانی می‌کند، بنابراین رمان‌های وی قابلیت پژوهش از دیدگاه نقد اخلاقی را داراست. در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته تلاش گردیده تا مضامین فضیلت‌های اخلاقی در رمان‌های فریبا وفی در بطن نقد اخلاقی قرار گیرد و ویژگی‌های مثبت و منفی آن‌ها مشخص شود، نتیجه این تحقیق بیانگر این است که در رمان‌های فریبا وفی فضایی همچون نجابت، پابندی به عقیده و ایمان، ایستادگی در برابر مشکلات و خوش اخلاقی بازتاب نسبتاً بالایی دارد.

واژه‌های کلیدی: نقد اخلاقی، فضایل، فریبا وفی

مقدمه

هر اثر ادبی، ناخواسته از جامعه و تحولات آن تأثیر می‌گیرد و رمان به عنوان یک محصول فرهنگی، لحظات مهم یک گروه یا یک طبقه از مردم را به نمایش می‌گذارد. رمان، بیانی ادبی از جامعه ارائه می‌دهد و بر اساس شرایط زمانی و مکانی نوشته می‌شود. بنابراین با مطالعه رمان‌های نوشته شده در یک دوره زمانی معین، می‌توان به نگرش افراد آن دوره نسبت به خود و جامعه پی برد. رمان، مهم‌ترین فرم ادبی است که در مقایسه با دیگر فرم‌ها، قدرت بیشتری برای تحلیل جامعه، فرهنگ و هویت افراد دارد.

نویسندگان زن در حوزه ادبیات داستانی در برابر تقسیم‌بندی جامعه به مردانه و زنانه مقاومت می‌کنند، به مشکل هویت و جایگاه زن ایرانی در یک مرحله تغییر و تحول اجتماعی می‌پردازند و تلاش زنان برای خودیابی را با انتقاد از جامعه مردسالار درمی‌آمیزند، اما نوع و چگونگی این ایستادگی نیازمند تبیین است.

هر نویسنده‌ای برای بیان اندیشه‌ها و مفاهیم خود علاوه بر انتخاب موضوع از روش، طرح، نشانه و شیوه‌های روایتگری خاص استفاده می‌کند. فریبا وفی از داستان‌نویسان پرکار عصر ماست که مهم‌ترین دغدغه‌اش مسایل زنان است و در رمان پرندۀ من با شیوه‌ای خاص، به صورت جدی به مسایل زنان پرداخته است. وی با ترسیم وضع ناگوار زن در جامعه و خانواده، مخاطب را از این وضع آگاه می‌سازد و این آگاهی‌بخشی برای بهبود وضعیت زنان است (مالمیر و زاهدی، ۱۳۹۲: ۴۸).

در سال‌های پایانی دهه هفتاد، نویسندگان زن، روایت‌های تقریباً مشابهی از زندگی روزمره همجنسان خود ارائه داده‌اند. آنان با به تصویر کشیدن روزمرگی زنان طبقه متوسط، آنان را وادار کردند تا برای تغییر دنیای خود بکوشند و معمولاً این کوشش در رمان‌ها، زمینه ساز یک آزمون برای شخصیت‌های زن شد و آنان را به هراس انداخت. این شخصیت‌ها معمولاً برای پنهان کردن دغدغه‌های فکری خود به سکوت پناه می‌بردند و تلاش می‌کردند تا از این آزمون، سربلند بیرون بیایند. نویسندگانی چون: ناهید طباطبایی، سپیده شاملو، زویا پیرزاد، شیوا ارسطویی، فریبا وفی و ... روایت‌هایی از این دست ارائه داده‌اند و تا چند سال پیاپی توانستند جوایز ادبی معتبر کشور را از آن خود کنند. شاید بتوان گفت از میان این نویسندگان، فریبا وفی تصویری واقعی‌تر از موقعیت زنان در جامعه ارائه کرده است. وفی در آثار خود به توصیف زن، جایگاه او در جامعه و نگرش وی به هویت خویش پرداخته است.

فریبا وفی نویسنده تجربه‌گرایی است که در رمان‌های خود، زندگی طبقه متوسط را با موقعیت‌های گوناگون روایت می‌کند. وفی در آثار خود به توصیف زن، جایگاه او در جامعه و نگرش وی به هویت خویش پرداخته است. شخصیت‌هایی که وفی معرفی می‌کند، گاه در صحنه جامعه تسلط خود را از دست می‌دهند و هویت خدشه دار شده خود را به نمایش می‌گذارند (مالمیر و زاهدی، ۱۳۹۶: ۵۴).

هر اثر ادبی، ناخواسته از جامعه و تحولات آن تأثیر می‌گیرد و رمان به عنوان یک محصول فرهنگی، لحظات مهم یک گروه یا یک طبقه از مردم را به نمایش می‌گذارد. رمان، بیانی ادبی از جامعه ارائه می‌دهد و بر اساس شرایط زمانی و مکانی نوشته می‌شود. بنابراین با مطالعه رمان‌های نوشته شده در یک دوره زمانی معین، می‌توان به نگرش افراد آن دوره نسبت به خود و جامعه پی برد. رمان، مهم‌ترین فرم ادبی است که در مقایسه با دیگر فرم‌ها، قدرت بیشتری برای تحلیل جامعه، فرهنگ و هویت افراد دارد.

فربیا وفی در رمان‌های خود، از طبقه متوسط زنان جامعه سخن می‌گوید. با وجود این، این زنان هر کدام در موقعیت‌های متفاوتی قرار دارند. بنابراین، بررسی این رمانها از جنبه هویت‌شناختی می‌تواند شناخت گروه‌های متعددی از زنان طبقه متوسط جامعه را فراهم کند (بقای و همکاران، ۱۳۹۵: ۲).

چارچوب نظری تحقیق

فضایل اخلاقی «صفتی است که به انسان شخصیت عالی انسانی می‌بخشد و او را به مراتب رفیع کمال می‌رساند؛ مثل نوع دوستی، میل به عدالت و انصاف، میل به تقوا و پاکی و تعالی خواهی، دفاع از مظلومین» (رزمجو، ۱۳۶۶: ۲۹). «فضایل به مزایا، کمالات و خوبی‌ها اطلاق می‌شود.» (قربانی، ۱۳۸۶: ۱۸). از نظر غزالی «فضایل اخلاقی همان اخلاق حسنه و نیکی است که موجب سعادت می‌شود.» (غزالی، ۱۳۷۹: ۲۴).

«مقصود از روشنایی‌ها، اعتقادات خردپسند و اندیشه‌های روشنگر و سازنده‌ای است که طالبان حق و فضیلت در شعاع مقدس آن، صراط مستقیم هدایت را می‌یابند و با رهروی در فضای معنوی این راه، مکارم اخلاقی را در خویش می‌پرورند و سرانجام با ره‌توشه عمل صالح به کمال انسانی و بهروزی واقعی نائل می‌شوند.» (میبدی، ۱۳۶۱، ج ۶: ۵۴۳).

تا آن جا که حافظه تاریخ ادبیات ایران به یاد می‌آورد، و آثار نویسندگان ما گواهی می‌دهد، ادبیات فارسی با همه تنوعی که در آن از لحاظ اندیشه و احساس و مشرب‌گویندگانش وجود دارد، از مشخصات بارز آن ارزش‌های اخلاقی و انسانی است که چونان گوهرهایی تابناک، جان و دل فضیلت جویان هنردوست را تاکنون از فروغ معنوی خود روشنی بخشیده و نوازش کرده، و در طول حیات هزارساله خود راهنمای نسل‌ها و پرورش دهنده قریب و استعدادهایی بسیار بوده است (رزمجو، ۱۳۸۲: ۲۶۱).

در قلمرو وسیع ذوق و اندیشه ادبیات فارسی، از هر چه مقدس و محترم و والا و زیباست، ستایش شده و از تمامی ناشایست‌ها و رذائل و آنچه موجب سقوط اخلاقی انسان می‌شود، نکوهش و تقبیح به عمل آمده است. تجلی روح انسان‌دوستی، اعتقاد به خداوند و مقدسات مذهبی و گرایش به نیکی‌ها و سجایای حمیده‌ای نظیر: آزادگی، عدالت خواهی، ظلم ستیزی، جوانمردی، مناعت طبع، راستی و واقع بینی، احترام به حقوق هم‌نوع، دانش‌اندوزی، ایثار و بخشندگی، شکیبایی، شجاعت و... خلاصه، کلیه آرمانهای بلند بشری، از ویژگی‌های معنوی ادبیات فارسی و از مقوله روشنایی‌های آن به شمار است.

ادبیات فارسی بویژه آثار داستانی محل انعکاس تمدن و فرهنگ ما و تجلی اندیشه‌ها، آرزوها و آرمانهای نویسندگان آنهاست و برای درک خصایص و ویژگیهای رفتاری و اخلاقی مردم باید به آثار این نویسندگان مراجعه نمود (همان، ۱۳۸۲: ۲۶۲). یکی از این نویسندگان فربیا وفی، رمان نویس معاصر می‌باشد. فربیا وفی در آثار خود به عناوینی از فضایل اخلاقی اشاره کرده است. در این بخش به بررسی میزان توجه و اشاره فربیا وفی به فضایل اخلاقی پرداخته می‌شود. فضایل اخلاقی براساس تقسیم‌بندی رزمجو در ده عنوان بررسی می‌شود. این ده عنوان عبارتند از:

خدا پرستی و خضوع بندگی، ستایش شایستگان ستایش، بشردوستی و شفقت به هم نوع، گرامیداشت عقل و علم و عمل، عفت‌گرایی و نفس ستیزی، نکوهش می و میخوارگی، آزادگی و علو اندیشه، استبداد ستیزی و مبارزه با ستم، ارائه راز و رمزهایی از حکمت عملی و یاد مرگ و عبرت‌گیری.

فضیلت اول: خداپرستی و خضوع بندگی

از ویژگی‌های آثار گذشتگان ما، آغاز هر کاری با یاد و نام خدا و ستایش و شکر نعمتهای اوست. این ویژگی حاصل اعتقاد راسخ آنان به خداوند و این کلام ارزنده پیامبر اکرم (ص) می‌باشد که فرمود: «هر کار مهمی که با نام خداوند آغاز نشود، ناقص و ناتمام خواهد بود» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۵۲: ۲۹) در ادبیات فارسی، نخستین موضوع و مهمترین موضوع از لحاظ ارزشهای اخلاقی اعتقاد به یگانگی خدا و اندیشه یکتا پرستی می‌باشد، است، که در شروع اکثر آثار ادبی این اعتقاد توسط نویسندگان و سرایندگان ادیب و فرزانه بیان شده است. نویسندگان با اعتقاد به "اول العلم معرفه الجبار" هر دفتری را با نام خدا آغاز نموده‌اند یعنی: اصل و آغاز دانش ورزی، شناخت خداوند است.

در بیشتر آثار گذشته فارسی، موضوع خداپرستی و بیان صفات جلال و جمال خداوند به زیبایی مطرح شده و سازندگان این آثار افکار خویش را درباره آفریدگار جهان و اهداف آفرینش در زیباترین تعبیرات به رشته تحریر درآورده‌اند.

انسان آگاه با ایمان به خدا می‌تواند به کمال برسد؛ زیرا خدا همیشه پناه انسان‌های با ایمان است و بدون آن، هیچ بشری نمی‌تواند به سرمنزل مقصود برسد و مهم‌ترین پشتوانه انسان، باری خواستن از خداوند است. اگر باور و ایمان به خدا از اندیشه بشر حذف شود دیگر هیچ ضمانتی برای زندگی اخلاقی و انسان‌ها وجود نخواهد داشت.

فریبا وفی در این سه رمان زیاد از خدا و ایمان به خدا حرفی نمی‌زند. جای این کلمات در رمان‌های او خالی است. شاید دلیل این امر این باشد که آثار وی مانند یک داستان استاندارد شروع و پایان مشخصی ندارد و تنها دل نوشته‌ها و واگویی‌های رایج داستان را بیان می‌کند. لذا نویسنده ضرورتی برای شروع داستانش با ذکر و یاد خدا مانند دیگر نویسندگان نمی‌بیند و نیز وی زندگی افرادی را بازگو می‌کند که گرفتار روزمرگی‌ها و دنیای کوچک خودشان هستند و مجالی برای پرداختن به خدا و استعانت از او نمی‌یابند.

از این فضیلت اخلاقی در کتاب پرنده من هیچ اشاره‌ای نمی‌بینیم. اما در رمان ترلان و رویای تبت هر کدام یک مورد اشاره شده است.

در رمان ترلان هنگام حرف زدن ترلان با برادرش حرف ایمان به میان می‌آید که از او می‌پرسد:

«نکند مشکل فلسفی پیدا کرده‌ای، ماوراطبیعه، معنی، هستی، خدا؟ ایرج باز هم سفره رنگینی مقابلش باز کرده است.

از وقتی کتاب انسان چگونه غول شد و چند کتاب دیگر را خواندم، دیگر بهش فکر نکردم.

ایمان به او را نمی‌شود با خواندن چند کتاب از دست داد.» (وفی، ۱۳۸۲: ۱۸۵).

وفی هر چند در رمانش زیاد به خدا اشاره نمی‌کند اما ایمان به خدا را عامل قدرتمندی می‌داند که خواندن چند کتاب خللی در آن ایجاد نمی‌کند. و در جواب او که می‌گوید بعد از خواندن چند کتاب خاص به خدا فکر نکرده است، از زبان برادر ترلان پاسخ می‌دهد که ایمان به خدا را نمی‌شود به سادگی از اندیشه بشر حذف کرد.

همچنین وفی در رمان رویای تبت از قول راوی می‌گوید:

«از ایمان حرف می‌زدی و می‌گفتی مرد بدون ایمان مثل ماهی بدون استخوان بود.» (همان، ۱۳۸۴: ۳).

خداپاوری محور تکامل انسان را شکل می‌دهد، و بزرگ‌ترین امتیاز اهل ایمان به حساب می‌آید. بخش مهمی از مقامی که بندگان شایسته خدا کسب کرده‌اند، در پرتو ایمان و باورشان بوده است. در سایه ایمان و باور است که فرصت تفکر صحیح به جوینده حق داده می‌شود.

نقش ایمان به خدا و تأثیرهای فردی و اجتماعی آن در ایجاد اطمینان و آرامش خاطر، یکی از اساسی‌ترین مسائل است. بخش مهمی از مقامی که بندگان شایسته خدا کسب کرده‌اند، در پرتو ایمان و باورشان بوده است (مطهری، بی تا: ۳۳). انسان آگاه با ایمان و رضای به حق می‌تواند به کمال برسد؛ زیرا مهم‌ترین پشتوانه انسان، یاری خواستن از خداوند است و بدون آن، هیچ بشری نمی‌تواند به سرمنزل مقصود برسد. در سایه ایمان و باور است که فرصت تفکر صحیح به جوینده حق داده می‌شود.

فضیلت دوم: ستایش شایستگان ستایش

ستایش از صاحبان فضیلت و معرفت در واقع بزرگداشت مکارم اخلاقی و کرامت انسانی است و این امر، خداپسندانه موجب تقویت و نشر ارزش‌های معنوی و تحکیم حاکمیت دانش و اخلاق و ارزش‌های والای انسانی در جامعه بشری می‌شود، همت‌های عالی را می‌پرورد و استعداد‌های حق جویان را برای کسب بزرگی‌ها و اقدام به عمل صالح برمی‌انگیزد. یکی از مهمترین فضایل اخلاقی ستایش و تعریف و تمجید از کسانی است که لایق این ستایش هستند.

از دیدگاه اسلام، شایستگان ستایش: پیامبران، صالحان و مهتدیان اند، که خداوند براهل عالم برتریشان داده و در قرآن کریم به کرات از آنان به عظمت یاد فرموده و فرجامی نیک را به ایشان وعده داده است (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۴۶۴).

ستایش از صاحبان فضیلت و معرفت و در واقع بزرگداشت مکارم اخلاقی و کرامت انسانی، خداپسندانه و خردپذیر است. چرا که چنین ستایشها موجب تقویت و نشر ارزشهای معنوی و تحکیم حاکمیت دانش و اخلاق و ارزشهای والای انسانی در جامعه بشری می‌شود، همت‌های عالی را می‌پرورد و استعداد‌های حق جویان را برای کسب بزرگیها و اقدام به عمل صالح برمی‌انگیزد. (رزمجو، ۱۳۸۲: ۲۸۰).

در سه رمان مورد بررسی از فریبا وفی به این مورد اشاره‌ای نشده بود. همانطور که در بخش قبلی اشاره نمودیم از آنجا که این داستان‌ها زندگی روزمره افرادی را به تصویر می‌کشد که غرق در دنیای حقیر خود هستند و به جهان پیرامون و اتفاقات و مسائل بزرگ بشری و الهی توجهی ندارند، بهمین دلیل در این داستان‌ها اشاره‌ای به خدا و پیامبر و اولیای خدا و ستایش و تکریم آنها نشده است.

فضیلت سوم: بشردوستی و شفقت به همنوع، جوانمردی و ایثار

شفقت و مهرورزی نسبت به همنوعان و بلکه فراتر از آن نسبت به همه موجودات هستی از مضامین ارزشمند نویسندگان و شاعران می‌باشد که در سروده‌هایشان بر آن تأکید نموده‌اند.

انساندوستی و شفقت به همنوع و توصیه‌هایی که در باره مراعات حال محرومان و یاری در ماندگان و ناتوانان، از سوی نویسندگان و شاعران شفیق و نعدوست ما در عرصه آثار کهن فارسی به عمل آمده است، گوهر دیگری است از گنجینه معنویاتی که از فروغشان ادبیات گذشته فارسی رونق و جلایی جاودانه یافته است.

اندیشه‌های بشردوستانه که از فروغ انسانیت آکنده است، متأثر از اصول اخلاقی و تربیتی مکتبی است که از دیدگاه پیشوایان آن، جامعه انسانی به مثابه پیکره‌ای واحد است. احسان و نیکوکاری از هر عبادتی شریف‌تر است و والاتر. براساس این گونه جهان بینی متعالی است که در برخی از منظومه‌های فارسی که دنیایی است آکنده از بشردوستی و شفقت به همنوع، آنچه درخشندگی دارد نیکی و زیبایی است و کرامت و جوانمردی درخور تحسین.

براساس این گونه جهان بینی متعالی است: که در بیشتر آثار کهن فارسی خاصه در مثنوی‌های اخلاقی و عرفانی نظیر: منطق الطیر، مثنوی معنوی، گلستان و ... عواطف بشر دوستانه خالی از حب و بغض‌های قومی و نژادی و تعصبات ملی و مذهبی بیان شده، و ضمن حکایاتی آموزنده از سرگذشت انبیا و اولیا و جوانمردانی که اسوهٔ ایثار و خدمتگزاری بوده و در راه یاری و خدمت به مستمندان و مظلومان گاه از هستی خویش گذشته‌اند و رنج خود و راحت یاران طلبیده‌اند، و حتی در بسیاری موارد از مهرورزی و شفقت به دشمنانشان نیز دریغ نکرده‌اند، ارزش فداکاری و راه رسم ایثار و خدمت به خلق اظهار گردیده است.

انسان دوستی و شفقت به هم‌نوع و توصیه به مراعات حال محرومان و یاری کردن درماندگان و ناتوانان، گوهر دیگری است از گنجینه‌های عالم معنا که از فروغش آثار ادبی رونق و جلایی جاودانه یافته است. اندیشه‌های بشردوستانه که از فروغ انسانیت آکنده است، متأثر از اصول اخلاقی و تربیتی مکتبی است که از دیدگاه پیشوایان آن، جامعه انسانی به مثابه پیکره‌ای واحد است. بشردوستی و مهرورزی ارزش انسان و معیار برتری در جامعه است. مهربانی و محبت ورزیدن، مایه قوام و برپایی جامعه انسانی است و بدون مهربانی، نظام اجتماع بشری، سرد و بی روح و زیبایی‌های زندگی به کام انسان تلخ و بی معناست (رزمجو، ۱۳۸۲: ۲۹۴).

از طرفی این گونه عواطف مشفقانه، تبلور فرهنگ متعالی مذهبی است، که از ویژگیهای اخلاقی دست پروردگانش این که: «هر چند که نیازمند و درویش باشند، ایثار می‌کنند و دیگران را بر خود می‌گزینند» (حشر/۹).

احترام به مقام انسان و ستایش از پایگاه او در عالم آفرینش، در آثار فارسی، با تعبیراتی لطیف و متنوع بیان گردیده است. بشر دوستی یکی از مهمترین اصول اخلاق اجتماعی است که در بیشتر آثار فارسی به دور از هرگونه حب و بغض قومی و نژادی و تعصبات ملی و مذهبی بیان شده است.

در سه رمان مورد بررسی به این فضیلت اخلاقی در دوازده مورد اشاره شده است که رمان پرنده من، با ۸ مورد بیشترین بسامد را دارا می‌باشد. پس از آن در رمان ترلان ۳ مورد و در رمان رویای تبت تنها یک مورد یافت گردید.

در رمان پرنده من از شفقت و نعدوستی زیاد بحث شده است. زیرا تعاملات اجتماعی افراد در موقعیتهای مختلف زندگی مستلزم وجود چنین نگرشی است که در این رمان نیز می‌توانیم این اشارات را ببینیم.

مثلاً در جایی آمده است که فرد پیری، پدر راوی را که گم شده بود، از روی انساندوستی به خانه‌شان می‌آورد:

«مردی پیرتر از خودش او را به در خانه آورد و با لحنی سرزنش آمیز به ما تحویل داد. شلوارش خیس بود و می‌گفت زده بود به جاده.» (وفی، ۱۳۸۱: ۳۱).

یا هنگامی که راوی داستان درحال استراحت درخانه است، احساس خوبی ندارد زیرا همسرش زیر آفتاب سوزان و گرما کار می‌کند:

«از خنکی کولر لذت نمی‌برم؛ چون امیر مجبور است زیر آفتاب و توی گرما کار کند. بعد از ناهار چرت نمی‌زنم چون امیر فرصت این کار را ندارد. با دوستانم رفت و آمد نمی‌کنم؛ چون امیر نمی‌تواند چنین کاری بکند، امیر تا بیست سال دیگر به بانک بدهکار است. بانک نیروی کارش را از او خریده است. نمی‌شود گردن و صورت امیر زیر آفتاب بسوزد و صورت من از خوب خوردن و خوب خوابیدن برق بزند. این عادلانه نیست.» (وفی، ۱۳۸۱: ۴۸).

انسان خیرخواه خود را در غم و شادی دیگران شریک می‌داند؛ یعنی آنچه را برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز خواهان است و آنچه را برای خود آرزو می‌کند، برای دیگران نیز آرزومند می‌باشد.

«من به خاطر خودت می گویم. شاید بیایی آن جا و دیگر مرا نخواهی. از من جدا می شوی و - بشکن می زند - می روی دنبال یک زندگی دیگر.» (همان، ۱۳۸۱: ۳۷).

«بهتر نیست عملش کنم؟ اگر یک روز پولی دستم بیاید این کار را می کنم. ولی قبل از آن هزار کار دیگر باید با آن پول بکنم.» (همان، ۱۳۸۱: ۳۷).

«شادی داد می زند: خب، دوست ندارد. زور که نیست، ولش کن.» (همان، ۱۳۸۱: ۴۴).

«تامه عاشقانه ای از امیر رسیده. نوشته است وقتی آدم به اندازه کافی از زندگی اش فاصله می گیرد تازه متوجه می شود چه چیزهایی دارد.» (همان، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

احسان و نیکوکاری از اموری است که در اجتماع و هنجارهای پسندیده قرار می گیرد و یکی از فضیلت های اخلاقی به شمار می رود و هر کسی که از فطرت سالم برخوردار باشد زبان به ستایش و تحسین اهل احسان و نیکوکاران می گشاید. «احسان و نیکوکاری، به جهت برانگیختن احساس خوش و لذت روحانی، امری شایسته و ارزشی است که مورد اقبال و استقبال بیشتر مردم است.

«نوشته تازه دارد ارزش مرا درک می کند و دلش برای خانه و بچه ها تنگ شده است و همین باعث می شود نتواند مثل روزهای اول کار بکند و تازه زمستان که بیاید کار، دیگر سودآور نیست.

نوشته بیشتر وقت ها تنهاست. همسایه شان گاهی وقت ها او را به خانه اش دعوت می کند- آدم های بسیار مهمان نوازی هستند- دخترش برای او پیانو می نوازد و او در آن لحظه ها به یاد من می افتد.» (همان، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

در رمان ترلان در جایی راوی از آرزوهای انسان دوستانه اش می گوید:

«من هم مثل تو بودم فکر می کردم دکتر می شوم و تمام دندانهای خراب آدم های فقیر را مفت و مجانی درست می کنم. کاری می کردم که همه بتوانند بخندند بدون آنکه نگران دندانهای خرابشان باشند. منظورم را که می فهمی؟ یک لبخند قشنگ به همه هدیه می کردم.» (وفی، ۱۳۸۲: ۱۵).

احسان و نیکوکاری از اموری است که در اجتماع و هنجارهای پسندیده قرار می گیرد و یکی از فضیلت های اخلاقی به شمار می رود و هر کسی که از فطرت سالم برخوردار باشد زبان به ستایش و تحسین اهل احسان و نیکوکاران می گشاید. «احسان و نیکوکاری، به جهت برانگیختن احساس خوش و لذت روحانی، امری شایسته و ارزشی است که مورد اقبال و استقبال بیشتر مردم است.

در جای دیگر می خوانیم که:

«برایش عشق به کتاب، به نویسنده ها، به معلم ها، به کودکان، به آدم ها کافی بود.» (همان، ۱۳۸۲: ۸۸).

«عشق و محبت به دیگر انسانها، یکی از فضیلت های اخلاقی به شمار می رود به جهت برانگیختن احساس خوش و لذت روحانی، امری شایسته و ارزشی است که مورد اقبال و استقبال بیشتر مردم است. مثلاً رفتار با مهربانی و خنده ارشد، رفتاری سخاوتمندانه نشان داده می شود:

«ارشد سالن یک همدانی چاق و خوش خنده ای است که با سخاوتمندی به سوالهای مشهودی جواب می دهد.» (همان، ۱۳۸۲: ۹۲).

در رمان رویای تبت نیز تنها یک بار به انسان دوستی اشاره شده است:

«خودم گفتم: دلپش انسان دوستی است؟ خندید: چرا انسان دوستی؟ گفتم: می خواهید کمک کنید؟

در الگوی انسان‌دوستی اسلامی، مبنای روابط انسانی، نوعی محبت با صبغه الهی است که بدون توقع عوض و پاداش به عموم بندگان خدا ارزانی می‌شود و نهایتاً تعالی نوع بشر را به دنبال خواهد داشت. نظام تربیت اسلامی با انعکاس انسان‌دوستی در اهداف، برنامه‌ها و روش‌های تربیتی خود، می‌تواند زمینه ایجاد روابط سالم، انسانی و مسالمت‌آمیز را بین افراد جامعه مهیا سازد (خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶: ۷۶۹).

فضیلت چهارم: گرامیداشت عقل، علم و عمل:

عقل، علم و عمل، سه سرمایه نفیس هستند، که انسان با کاربرد و بهره برداری صحیح آن‌ها، راه تکامل و ارتقاء معنوی و مادی خویش را هموار می‌سازد. و سعادت دنیا و آخرتش را تأمین می‌کند. عقل محبوب‌ترین آفریده پروردگار، حجت باطنی انسان و موجد ایمان به خداوند و راهنما و کارگشای در زندگانی آدمی است. و خردمند کسی است که: به حق تعالی ایمان آرد و پیامبران را باور دارد، و طاعات خدای بگزارد (غزالی، ۱۳۵۳: ۱۹۶).

از نظر قرآن، علم نردبانی است که عالمان از آن بالا می‌روند و به مقام تعقل می‌رسند و این گونه از علم خودشان بهره می‌برند. به گفته امام صادق (ع): «عقل دین باور است و جزای خردمند دیندار، فرجام نیک و بهشت برین است» (کلینی رازی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۷).

از نظر قرآن علم حتی به شکل یقین صد درصد جزمی به تنهایی نمی‌تواند نجات بخش باشد، بلکه ممکن است بدبختی نیز به دنبال آورد؛ زیرا مسئولیتی را ایجاد می‌کند که اگر به آن عمل نشود، مجازات مضاعف به دنبال خواهد داشت. اینک خداوند، علم را به تعقل ربط داده، از آن روست که مراد از عقل همان عقل عمل است (کافی، ج ۱، ص ۱۱).

از دیدگاه اسلام، دانش اندوزی توأم با عمل، نوعی عبادت است. و حتی ارزش آن بر عبادت فزونی دارد. چنان که از پیامبر اکرم (ص) است که فرمود: «و برتری عالم بر عابد، چون برتری ماه تابان بر سایر ستارگان است» (نهج الفصاحه، ۱۳۶۰: ۴۲۶). و این برتری بدان سبب است که عالم با ایمان، علاوه بر انجام اعمال عبادی و اطاعت از فرمانهای الهی، راهنمای خلق به خالق است. از میان بندگان خدا، فقط، عالمان مؤمنند که از ذات مقدس حق می‌ترسند و پاسدار حریم پاکیه و نشر دهنده فضیلت‌ها هستند (کلینی رازی، ۱۳۹۲، ق، ج ۱: ۶۵).

پایگاه علم و اهمیت آن از لحاظ امام علی بن ابیطالب (ع) که خود در مدینه علم پیامبر (ص) و آگاه از حقایق جهان می‌باشد «(فاطر/۲۸) در مرتبه‌ای است که فرموده: «به وسیله علم است که خداوند اطاعت و بندگی می‌شود. با دانش: معرفت خداوند و یگانگی او حاصل می‌گردد. و به وسیله علم پیوند خویشاوندی برقرار می‌شود. و روا از ناروا شناخته می‌گردد. دانش، پیشوای خرد و عقل پیرو آن است. سعادت‌مندان از آن الهام می‌گیرند، و سیه‌بختان از نعمت خرد محروم هستند» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۶۶).

و عمل صالح نیز از ارکان ایمان به شمار است. و بعد از دین باوری یگانه امتیاز و نشانه برتری انسانها از یکدیگر می‌باشد. پیامبر (ص) فرموده‌اند: «خوشا به حال طالبان علم. و نگاه کردن به چهره‌ی صاحب علم از آزاد کردن هزار بنده بهتر است (نراقی، ۱۳۷۹: ۱۰۵).

به طور کلی، اندیشمندان اسلام با چنین توصیه‌هایی که: دانش اندوزید، چه علم یار مؤمن و عقل راهنما و عمل سرپرست اوست:

میاسای ز آموختن یک زمان ز دانش میکفن دل اندر گمان

یکی نغز باز می‌کند روزگار که بنشاندت پیش آموزگار

(فردوسی، ۱۳۴۵، ج ۸: ۲۴۰۲)

گرانمایگی علم و عقل و عمل را ستوده‌اند. و نقش حیاتی آن‌ها را در رستگاری انسان خاطرنشان ساخته و پیروان خود را به کسب و کار برد و احترام این سه سرمایه نفیس فرا خوانده‌اند (رزمجو، ۱۳۸۲: ۳۰۳). در سه رمان مورد بررسی به این فضیلت اخلاقی در هشت مورد اشاره شده است که رمان پرنده من، با ۴ مورد بیشترین بسامد را دارا می‌باشد. پس از آن در رمان ترلان ۳ مورد و در رمان رویای تبت تنها یک مورد یافت گردید. در رمان پرنده من در چندین مورد به اهمیت علم و عقل و عمل اشاره شده است:

مثلاً وقتی همسر راوی می‌خواهد خانه را بفروشد، او رفتار عاقلانه‌ای دارد و بدون عصبانی شدن بی‌مورد، به مسئله فکر کرده و پاسخ و رفتار عاقلانه‌ای را انتخاب می‌کند. و این رفتار اعتماد به نفس او را نیز تقویت می‌کند.

«از مزایای بالا رفتن سنم است که همان لحظه جوشی نمی‌شوم. در عرض چند ثانیه از بین چند رفتار ممکن، یکی را انتخاب می‌کنم. نیازی به بلند شدن و داد کشیدن نیست. نشسته هم می‌شود از خانه محافظت کرد. - خانه را نمی‌فروشی. از صدای خودم خوشم می‌آید. نه می‌لرزد. نه نگران است. مطمئن است.» (وفی، ۱۳۸۱: ۱۴).

و در جایی دیگر به اهمیت درس خواندن و کسب دانش و تلاش کردن اشاره شده است: «امیر می‌گوید: دوچرخه به درد نمی‌خورد. باید درس بخوانی. برای زندگی کردن در این دوره و زمانه باید سواد داشت. تخصص داشت.» (همان، ۱۳۸۱: ۲۱).

در جایی دیگر امیر یعنی همسر راوی برای تنبیه فرزندش دستش را به علامت زدن بالا می‌برد ولی فقط ژست این کار را می‌گیرد:

«دستش بالا می‌آید و ژست زدن یک سیلی محکم را می‌گیرد. ولی هر سه می‌دانیم که آن دست با این قصد پایین نمی‌آید. هفته پیش پایین آمد و شاهین بدون آن که فرار کند، گفت: کانادا که برویم، دیگر نمی‌توانی مرا بزنی. به پلیس خبر می‌دهم. امیر به تلافی زدن دارد بدو بیراه می‌گوید و به دنبال شاهین می‌رود.» (همان، ۱۳۸۱: ۲۱).

در بخش دیگری از این رمان، همسر راوی بدلیل عدم سعی و کوشش و تحرک او را خرس قطبی می‌نامد که به خاطر ترس از تغییر و تحرک برای تغییر و بهبود دنیای اطرافش هیچ تلاشی نمی‌کند:

«همین رفتارها باعث می‌شود به تو بگویم خرس قطبی. تو از تغییر می‌ترسی. از تحرک می‌ترسی. ماندن را دوست داری. فکر می‌کنی دنیا به همین شکلی که می‌خواهی می‌ماند. تازه مگر همین شکلش خوب است؟ جواب بده. خوب است؟ این قدر سرت توی لاک خودت است که فراموش کرده‌ای زندگی دیگری هم وجود دارد و این زندگی نیست که تو می‌کنی.» (همان، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

در جایی دیگر راوی از تلاش و کوشش همیشگی‌اش سخن می‌گوید:

«ساکت گوش می‌کنم و سخت مشغولم. هر جا می‌روم دست از کار کردن بر نمی‌دارم. حتی وقتی که ملافه‌های مامان را عوض می‌کنم. یا وقتی شادی را به مدرسه می‌برم و می‌آورم. یا وقتی شاهد چشمان خون‌گرفته حسینی هستم.» (همان، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

در مورد اهمیت کار و تلاش و کوشش توأم با پرهیزکاری و دور از آزمندی از دیدگاه اسلام و پیشوایان آن، سفارش‌هایی مؤکد نظیر آنچه که ذیلاً از امام صادق (ع) نقل می‌شود، به عمل آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۱۱: ۳۱۸).

موارد دیگری نیز در کتاب پرده من مشاهده شده است که می توان به صفحات (۱۴، ۲۱، ۱۳۴) مراجعه نمود.

در رمان ترلان نیز می توان مواردی از توجه به عقل و علم و عمل را مشاهده نمود:

«ترلان خود می تواند تصمیم بگیرد.» (وفی، ۱۳۸۲: ۳).

رسیدن به درجه ای از رشد که خود فرد بتواند برای آینده اش تصمیم بگیرد را می توان کمال عقل تلقی نمود. اما در این میان نباید غافل ماند که چه بسیار کسانی که نمی توانند راه را از بیراه درست تشخیص دهند و به بیراهه می روند. «علم درک حقیقت یک چیز را می گویند.» (اصفهانی، ۱۳۹۲: ۵۴۸).

در جایی دیگر از تلاش و کوشش و ممارست در رسیدن به هدف می گوید:

«اگر آدم بعضی چیزها را نداشته باشد یا از دست بدهد...»

ایرج جمله او را تمام می کند.

«باید بسازد.»

«ولی ممکن است خراب بشود.»

اشک تا نوک مژه هایش را خیس می کند.

«باید دوباره بسازد.» (وفی، ۱۳۸۲: ۱۸۶).

از عمده ترین ممیزات انسان، علم و دانش اوست، اما آیا اگر این علم تنها و تنها در عرصه علم و معرفت باقی بماند و به حوزه عمل وارد نشود، کارآیی دارد و ما را به مقصد نهایی می رساند؟ امام خمینی از جمله کسانی است که به این سؤال پاسخ منفی می دهد. از نظر ایشان، ارزشمندی علم، به این است که وارد عرصه عمل گردد و گرنه، علم به تنهایی مطلوب نیست. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲: ۵۶).

عمل، که هم در بحث از عقل نظری و هم در بحث از عقل عملی از اهمیت برخوردار است، تلاش و تدبیری انتخابی، مبتنی بر کوشش های انسان است که هم در جهت اصلاح فردی بسیار مؤثر است و موجب تخلّق فرد به اخلاق الهی و فناء فی الله (در اشخاص مستعد) می شود و هم در جهت اصلاح اجتماعی تأثیرگذار است.

«ترلان گفت: «به چه چیزی؟»

«به اصول راهنمای تو در زندگی است.»

ولی اصول چیست؟ چطور می شود آن را برای همیشه نگه داشت.» (وفی، ۱۳۸۲: ۱۲۱).

تدبیر از ویژگی های انسان های موفق است. امیرمومنان علی (ع) حزم را توجه داشتن به فرجام و عاقبت کارها تعریف می کند و می فرماید: «الحزم النظر فی العواقب و مشاوره ذوی العقول. دورانیشی توجه داشتن به فرجام کارها و مشورت کردن با خردمندان است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۳۲).

در رمان رویای تبت تنها یک بار به عقل اشاره شده است:

«جاوید بلند شد. از کنارم رد شد و به شانهام زد: «عقل باش دختر.» (وفی، ۱۳۸۴: ۱۱).

تدبیر داشتن ضامن شفاف شدن ابهام های آینده است و تصمیمات آتی را رقم می زند. افراد دورانیش در مقایسه با دیگران، تصویری شفاف تر از مسائل، رفتارها، واکنش ها و رویدادها دارند. انسانی که در زندگی تدبیر و آینده نگری داشته باشد فردی مفید و پرثمر در زندگی خود و هموعان خود می شود.

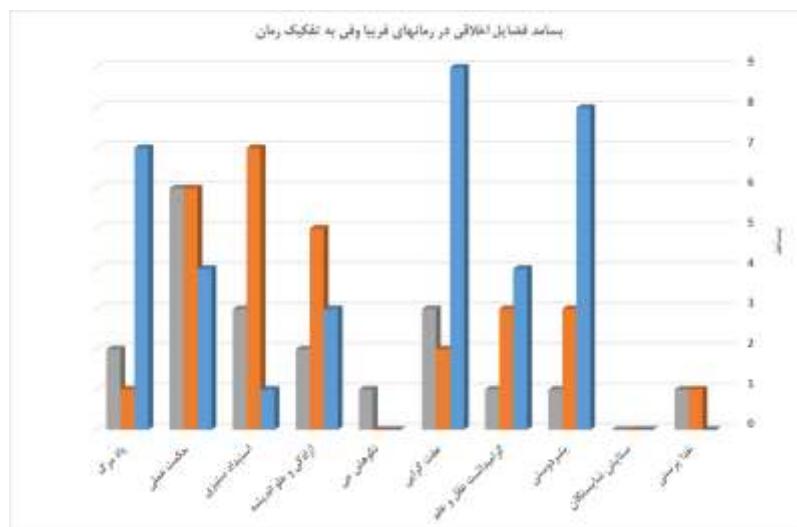
روش تحقیق

روش انجام این پژوهش به شیوه کتابخانه ای و اسنادی است که از طریق فیش برداری از منابع موجود صورت می گیرد. نخست به منظور تعیین چارچوب نظری تحقیق، منابع موجود و در دسترس مورد مطالعه قرار گرفته و سپس بر اساس این مبانی نظری به مطالعه و استخراج داده های تحقیق در آثار مورد مطالعه پرداخته شده؛ داده ها دسته بندی و تحلیل گردیده و در پایان، نتایج حاصل از این تحقیق ارائه شده است. جامعه آماری این تحقیق سه رمان از آثار فریبا وفی می باشد که عبارتند از: ۱- پرنده من (۱۳۸۱) ۲- ترلان (۱۳۸۲) ۳- رویای تبت (۱۳۸۴).

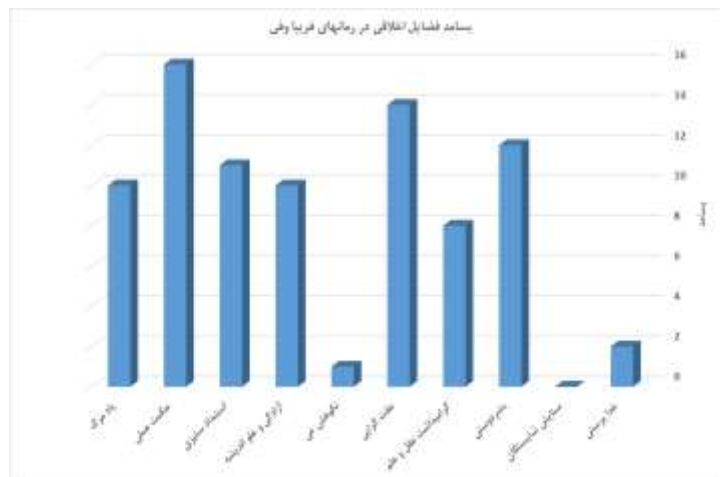
یافته های پژوهش (بررسی بسامد مضامین اخلاقی)

جدول ۱- بسامد فضایل اخلاقی در رمان های فریبا وفی

فضایل اخلاقی	پرنده من	ترلان	رویای تبت	جمع کل
خدا پرستی و خضوع بندگی	۰	۱	۱	۲
ستایش شایستگان ستایش	۰	۰	۰	۰
بشردوستی و شفقت به هم نوع	۸	۳	۱	۱۲
گرامیداشت عقل و علم و عمل	۴	۳	۱	۸
عفت گرایی و نفس ستیزی	۹	۲	۳	۱۴
نکوهش می و میخوارگی	۰	۰	۱	۱
آزادگی و علو اندیشه	۳	۵	۲	۱۰
استبداد ستیزی و مبارزه با ستم	۱	۷	۳	۱۱
ارائه راز و رمزهایی از حکمت عملی	۴	۶	۶	۱۶
یاد مرگ و عبرت گیری از آن	۷	۱	۲	۱۰
جمع کل	۳۶	۲۷	۲۰	۸۳



شکل ۱- نمودار بسامد فضایل اخلاقی در رمان های فریبا وفی به تفکیک رمان



شکل ۲- نمودار بسامد فضایل اخلاقی در رمان‌های فریبا و فی

همانطور که در جدول و نمودار بالا دیده می‌شود،

در رمان پرنده من فضیلت اخلاقی که بیشترین بسامد را دارد، «عفت گرایی و نفس ستیزی» است. که ۹ بار تکرار شده است. فضیلت اخلاقی «بشردوستی و شفقت به هم نوع» در رتبه دوم است که ۸ بار بکار رفته است. پس از آن فضیلت اخلاقی «یاد مرگ و عبرت گیری از آن» است که ۷ بار بکار رفته است. فضیلت‌های اخلاقی «گرامیداشت عقل و علم و عمل» و «ارائه راز و رمزهایی از حکمت عملی» با ۴ مورد و «آزادگی و علو اندیشه» با ۳ مورد و «استبداد ستیزی و مبارزه با ستم» با ۱ مورد در رده بعد قرار دارند و کمترین بسامد را فضیلت‌های اخلاقی «خدا پرستی و خضوع بندگی»، «ستایش شایستگان ستایش» و «نکوهش می و میخوارگی» دارند که هیچ بسامدی ندارند.

در رمان ترلان فضیلت اخلاقی که بیشترین بسامد را دارد، «استبداد ستیزی و مبارزه با ستم» است. که ۷ بار تکرار شده است. فضیلت اخلاقی «ارائه راز و رمزهایی از حکمت عملی» در رتبه دوم است که ۶ بار بکار رفته است. پس از آن فضیلت اخلاقی «آزادگی و علو اندیشه» است که ۵ بار بکار رفته است. فضیلت‌های اخلاقی «بشردوستی و شفقت به هم نوع» و «گرامیداشت عقل و علم و عمل» با ۳ مورد و «عفت گرایی و نفس ستیزی» با ۲ مورد و «خدا پرستی و خضوع بندگی» و «یاد مرگ و عبرت گیری از آن» با ۱ مورد در رده بعد قرار دارند و کمترین بسامد را فضیلت‌های اخلاقی «ستایش شایستگان ستایش» و «نکوهش می و میخوارگی» دارند که هیچ بسامدی ندارند.

در رمان رؤیای تبت فضیلت اخلاقی که بیشترین بسامد را دارد، «ارائه راز و رمزهایی از حکمت عملی» است که ۶ بار تکرار شده است. فضیلت‌های اخلاقی «عفت گرایی و نفس ستیزی» و «استبداد ستیزی و مبارزه با ستم» در رتبه دوم قرار دارند که ۳ بار بکار رفته‌اند. پس از آن فضیلت‌های اخلاقی «آزادگی و علو اندیشه» و «یاد مرگ و عبرت گیری از آن» هستند که ۲ بار بکار رفته است. فضیلت‌های اخلاقی «خدا پرستی و خضوع بندگی»، «بشردوستی و شفقت به هم نوع»، «گرامیداشت عقل و علم و عمل» و «نکوهش می و میخوارگی» با ۱ مورد در رده بعد قرار دارند و کمترین بسامد را فضیلت اخلاقی «ستایش شایستگان ستایش» دارد که هیچ بسامدی ندارد.

در مجموع سه رمان مورد بررسی فضیلت اخلاقی که بیشترین بسامد را دارد، «ارائه راز و رمزهایی از حکمت عملی» است که ۱۶ بار تکرار شده است که در رمان ترلان و رؤیای تبت ۶ مورد و در رمان پرنده من ۴ مورد مشاهده شد. می‌توان اینگونه

نتیجه گرفت که در این رمان‌ها شخصیت‌های تحصیل کرده و تا حدودی آرمان‌گرا وجود دارند که دارای اندیشه‌های متعالی بوده و آرزو دارند فضایل انسانی در همه افراد شکوفا شود.

براساس نتایج فضیلت اخلاقی «عفت‌گرایی و نفس‌ستیزی» با چهارده مورد در رتبه دوم است. این فضیلت اخلاقی در رمان پرنده من ۹ بار در رمان رؤیای تبت ۳ بار و در رمان ترلان دو بار اشاره شده است. پس از آن فضیلت اخلاقی «بشردوستی و شفقت به هم‌نوع» است که ۱۲ بار بکار رفته است که در رمان پرنده من ۸ مورد در رمان ترلان ۳ مورد و در رمان رؤیای تبت یک مورد اشاره شده است. در این رمان‌ها از شفقت و نعدوستی زیاد بحث شده است. زیرا در این رمان‌ها تعاملات اجتماعی افراد در موقعیتهای مختلف زندگی بیان شده است و این موضوع مستلزم وجود چنین نگرشی است.

در سه رمان منتخب، فضیلت اخلاقی «استبداد ستیزی و مبارزه با ستم» ۱۱ بار تکرار شده است. بررسی‌ها نشان داد این فضیلت اخلاقی در سه رمان مورد بررسی یازده بار مورد اشاره قرار گرفته است که در رمان ترلان ۷ بار در رمان رؤیای تبت ۳ بار و در رمان پرنده یک بار تکرار شده است. دلیل این امر این می‌باشد که وقایع رمان ترلان در زمان انقلاب و مبارزه می‌گذرد که بحث روز همان مبارزه با استبداد است. در رمان رویای تبت نیز دو شخصیت مرد داستان مدتی را بخاطر مبارزات سیاسی در زندان گذرانده‌اند. لذا اشاراتی به این موضوع را می‌توان یافت.

براساس نتایج فضیلت اخلاقی «آزادگی و علو اندیشه» در سه رمان مورد بررسی ۱۰ بار تکرار شده است که در رمان ترلان ۵ بار، در رمان پرنده من ۳ بار و در رمان رؤیای تبت ۲ بار یافت شد. این فضیلت که از مضامین آموزنده و تحسین‌برانگیز و از صفات برجسته اخلاقی افراد در زندگی اجتماعی می‌باشد در رمان‌های مورد بررسی به دفعات مورد اشاره قرار گرفته است. نتایج نشان داد فضیلت اخلاقی «یاد مرگ و عبرت‌گیری از آن» نیز ۱۰ مورد تکرار شده است که در رمان پرنده ۷ مورد در رمان رؤیای تبت ۲ مورد و در رمان ترلان ۱ مورد مشاهده شد.

براساس نتایج فضیلت اخلاقی «گرامیداشت عقل و علم و عمل» در سه رمان مورد بررسی ۸ مورد اشاره شده است که در رمان پرنده من ۴ مورد در رمان ترلان ۳ مورد و در رمان رؤیای تبت یک مورد یافت گردید. تدبیر داشتن ضامن شفاف شدن ابهام‌های آینده است و تصمیمات آتی را رقم می‌زند. افراد دوراندیش در مقایسه با دیگران، تصویری شفاف‌تر از مسائل، رفتارها، واکنش‌ها و رویدادها دارند. انسانی که در زندگی تدبیر و آینده‌نگری داشته باشد فردی مفید و پرتمردر زندگی خود و هموعان خود می‌شود.

نتایج نشان داد فضیلت اخلاقی «خدا پرستی و خضوع بندگی» تنها ۲ مورد اشاره شده است فریبا وفی در این سه رمان زندگی افرادی را بازگو می‌کند که گرفتار روزمرگی‌ها و دنیای کوچک خودشان هستند و مجال برای پرداختن به خدا و کمک گرفتن از او نمی‌یابند.

«نکوهش می و میخوارگی» در سه رمان مورد بررسی تنها یک بار آن هم در رمان رؤیای تبت مورد اشاره قرار گرفته است و فضیلت اخلاقی «ستایش شایستگان ستایش هیچ بسامدی نداشت. از آنجا که این داستان‌ها زندگی روزمره افرادی است که غرق در دنیای حقیر خود هستند لذا در این داستان‌ها اشاره‌ای به خدا و پیامبر و اولیای خدا و ستایش و تکریم آن‌ها نمی‌بینیم.

در مجموع در رمان پرنده من ۳۶ مورد، در رمان ترلان ۲۷ مورد و در رمان رؤیای تبت ۲۰ مورد به فضیلت‌های اخلاقی اشاره شده است که مجموعاً ۸۳ مورد را شامل می‌شوند. فریبا وفی در رمان‌هایش بیشترین اشاره را به ارائه راز و رمزهایی از حکمت

عملی داشته است و به عفت گرایی و نفس ستیزی نیز اشاره زیادی داشته است. می‌بینیم که ستایش شایستگان ستایش از صفاتی است که کمترین اشاره را به آن‌ها داشته است.

نتیجه گیری

در مجموع در رمان پرنده من ۳۶ مورد، در رمان ترلان ۲۷ مورد و در رمان رؤیای تبت ۲۰ مورد به فضیلت‌های اخلاقی اشاره شده است که مجموعاً ۸۳ مورد را شامل می‌شوند. فریبا وفی در رمان‌هایش بیشترین اشاره را به ارائه راز و رمزهایی از حکمت عملی داشته است و به عفت گرایی و نفس ستیزی نیز اشاره زیادی داشته است. می‌بینیم که ستایش شایستگان ستایش از صفاتی است که کمترین اشاره را به آن‌ها داشته است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج الفصاحه
۳. نهج البلاغه
۴. ابن مسکویه، احمد بن محمد، ۱۳۸۱. تهذیب الاخلاق؛ مترجم: علی اصغر حلبی، انتشارات اساطیر.
۵. ابوالفتوح رازی، جمال الدین، ۱۳۵۲. تفسیر روح الجنان و روح الجنان، تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۶. ارجانی، فرامرزن خداداد بن عبدالله الکاتب، ۱۳۶۲. سمک عیار، با مقدمه و تصحیح پرویز نائل خانلری، ج اول، تهران؛ انتشارات آگاه.
۷. اسدی طوسی، علی بن احمد، ۱۳۵۴. گرشاسب نامه، بکوشش حبیب یغمایی، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
۸. اصفهانی، راغب. ۱۳۹۲. ترجمه‌ی فارسی مفردات راغب، ترجمه‌ی حسین خداپرست، چ ششم، قم، نوید اسلام.
۹. امام خمینی، سید روح الله. ۱۳۸۲. شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ هشتم.
۱۰. امید، مسعود. ۱۳۸۱. درآمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایران، تبریز، مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی انسانی دانشگاه تبریز.
۱۱. بقایی، شیرین، نجات، لیلا، محمدی ده چشمه، حمزه، ۱۳۹۵. بازنمایی هویت زن از دیدگاه روایت زنانه در رمان «پرنده من» اثر فریبا وفی، ارائه شده در کنفرانس بین المللی ادبیات و زبان شناسی.
۱۲. بیان، مصطفی، ۱۳۹۱. «ایوان الکساندرویچ گنچاروف نویسنده کتاب ابوموف»، هفته نامه چهل چراغ، سا دهم، شماره ۴۷۷.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. ۱۳۶۶. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق، مصحح، مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. تیموری، سمیرا، ۱۳۹۱. «نقد و بررسی رمان‌های فریبا وفی با تکیه بر "پرنده من، ترلان، رویای تبت، رازی در کوچه‌ها، ماه کامل می‌شود"». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: سعید بزرگ بیگدلی.
۱۵. تیموری، سمیرا، بزرگ بیگدلی، سعید و طاهری، قدرت الله، ۱۳۹۶. «نقد فمینیستی رمان "رازی در کوچه‌ها" اثر فریبا وفی»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک شناسی، ۸ (۳) (پیاپی ۲۹): ۳۷-۶۰.

۱۶. جامی، عبدالرحمان، ۱۳۱۱. بهارستان، تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی.
۱۷. جزایری، سیدمحمد علی، ۱۳۸۲. درس اخلاق اسلامی، قم: مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه.
۱۸. جعفری، محمدتقی، ۱۳۴۹. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال الدین محمد مولوی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۱۹. حق شناس، علی. ۱۳۸۱. فضیلت و رذیلت در اخلاق اسلامی، بوشهر، موعود اسلام.
۲۰. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۵۷. تفسیر آفتاب، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۱. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، ۱۳۶۳. الحیاء، ترجمه: احمد آرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۲. خرمشاهی، بهاءالدین، انصاری، مسعود. ۱۳۷۶. پیام پیامبر، تهران، منفرد.
۲۳. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۲۴. رزمجو، حسین. ۱۳۶۸. شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۲۵. رزمجو، حسین، ۱۳۸۲. نقد و نظری بر شعر گذشته فارسی از دیدگاه اخلاق اسلامی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۶. رکنی، محمدمهدی، ۱۳۵۴. بررسی و نقد جبر و اختیار در آثار چند تن از شاعران، مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد- شماره ۱۵، ص ۵۲.
۲۷. رضانی، رضا، ۱۳۸۳. اخلاق و عرفان، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۸. زاگربسکی، لیندا، ۱۳۹۶. فضایل ذهن، تحقیقی در ماهیت فضیلت و مبانی اخلاقی معرفت. تهران: انتشارات کرگدن.
۲۹. سالارکیا، مزده، ۱۳۹۱. بررسی هویت زنان در رمانهای فریبا وفی (پرنده من، ترلان و رویای تبت)، پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا (س)، استاد راهنما: مریم حسینی.
۳۰. سالارکیا، مزده، ۱۳۹۱. بررسی هویت زنان در رمانهای فریبا وفی (پرنده من، ترلان و رویای تبت)، پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا (س)، استاد راهنما: مریم حسینی.
۳۱. سجادی، سیدجعفر، ۱۳۵۴. فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
۳۲. سعدی، شیخ مصلح الدین، ۱۳۶۳. بوستان شیخ اجل سعدی، به تصحیح فروغی و تجدید نظر بهاء الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
۳۳. سیاسی، علی اکبر، (بی تا). روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات
۳۴. سید حسینی، رضا. ۱۳۷۶. مکتبهای ادبی، ج ۱۱، تهران، نگاه.
۳۵. شریعتی، علی، ۱۳۴۷. اسلام شناسی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۳۶. طالقانی، سیدمحمود، ۱۳۴۲. پرتوی از قرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۴. تفسیرالمیزان، ترجمه‌ی موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (بی تا). بررسی‌های اسلامی، مقام و موقعیت زن در اسلام، به کوشش: سیدهادی خسروشاهی- قم- دارالتبلیغ اسلامی.
۳۹. طوسی، ابوجعفرین محمدبن حسن، ۱۳۶۹. اخلاق ناصری، تهران: انتشارات خوارزمی.
۴۰. عرب بافرانی، علیرضا، ۱۳۹۵. بررسی ادبیات داستانی زنانه نویسنده بعد از انقلاب اسلامی بر مبنای تحلیل گفتمان انتقادی «۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰»، پایان نامه دکترای تخصصی ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور استان تهران، استاد راهنما: نرگس محمدی بدر.
۴۱. غزالی، ابوحامد محمد، ۱۳۵۳. احیاء علوم الدین، ترجمان: مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش: حسین خدیوچم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۴۲. غزالی، محمد. ۱۳۷۹. کیمیای سعادت، به تصحیح احمد آرام، ج ۲، تهران، سیروس.

۴۳. فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۴۵. شاهنامه، چاپ ژول مول، تهران: انتشارات سازمان کتابهای جیبی.
۴۴. فوشه کور، هانری، ۱۳۷۷. اخلاقیات (مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری)، ترجمه محمدعلی امیر معزی و عبدالمحمد روحبخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
۴۵. فیض کاشانی، محسن. ۱۳۶۵. اخلاق حسنه، ترجمه محمدباقر ساعد خراسانی، انتشارات پیام آزادی.
۴۶. قربانی جویباری، کلثوم، ۱۳۹۴. بازنمود هویت زنانه در مجموعه داستان حتی وقتی می‌خندیم فریبا وفی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف. دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، ۲۳ (۷۹): ۲۴۵-۲۱۹.
۴۷. قربانی جویباری، کلثوم، ۱۳۹۴. بازنمود هویت زنانه در مجموعه داستان حتی وقتی می‌خندیم فریبا وفی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف. دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، ۲۳ (۷۹): ۲۴۵-۲۱۹.
۴۸. قربانی، عسکر، ۱۳۸۶. «چیستی اخلاق و فضایل اخلاقی»، فصلنامه تخصصی اخلاق، ۲ (۱۱): ۱۲-۶.
۴۹. کلینی رازی، محمدبن یعقوب، ۱۳۹۲ ق. الاصول من الکافی، ترجمه محمد باقر کمویی، تهران: منشورات کتب الاسلامیه.
۵۰. مال میر، تیمور، زاهدی، جنور، ۱۳۹۲. ساختار روایت زنانه در رمان «پرنده من» نوشته فریبا وفی، متن پژوهی ادبی، ۱۷ (۵۸): ۴۷-۶۸.
۵۱. مال میر، تیمور، زاهدی، جنور، ۱۳۹۶. تحلیل ساختار روایی رمان بعد از پایان نوشته فریبا وفی، فنون ادبی (علمی پژوهشی)، ۹ (۲) (پیاپی ۱۹): ۶۶-۵۳.
۵۲. مجلسی، محمد باقر. ۱۳۶۴. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار، چاپ دوم، تهران، دارالکتب اسلامیه.
۵۳. محمودی، سید علی. ۱۳۸۸. اخلاق سیاسی: کدام سیاست؟ کدام اخلاق؟، گردآوری نیماکیانی، تهران، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۵۴. مطهری، مرتضی، (بی تا). انسان و ایمان، تهران، صدرا.
۵۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۴۵. انسان و سرنوشت، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۵۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۴۹. عدل الهی، تهران: انتشارات مؤسسه اسلامی حسینیه ارشاد با همکاری شرکت سهامی انتشار.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۲. تفسیر نمونه، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۵۸. منیری، عفت السادات، حسینی، مریم، ۱۳۹۳. مفهوم هویت اجتماعی در آثار ناتالیا گینزبورگ و فریبا وفی، مجله ادبیات تطبیقی، ۸ (۳۲): ۱۵۲-۱۲۹.
۵۹. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، ۱۳۶۱. کشف الاسرار و عده الابراز، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۶۰. نراقی، ملا احمد. ۱۳۷۹. معراج السعاده، چاپ هفتم، قم، هجرت.
۶۱. نراقی، ملا احمد، ۱۳۲۲. معراج السعاده، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
۶۲. نوری، یحیی، ۱۳۴۳. حقوق زن در اسلام و جهان، چاپ دوم، تهران: انتشارات مطبوعاتی فرهنگی.
۶۳. نیچه، فریدریش ویلهلم، ۱۳۷۷. چنین گفت زردشت، ترجمه داریوش آشوری، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات آگاه.
۶۴. وفی، فریبا، ۱۳۸۲. ترلان، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
۶۵. وفی، فریبا، ۱۳۸۴. رویای تبت، تهران: نشر مرکز، چاپ بیست و یکم.
۶۶. وفی، فریبا، ۱۳۸۵. پرنده من، تهران: نشر مرکز، چاپ بیست و نهم.
۶۷. هدایت، صادق، ۱۳۵۳. ترانه‌های خیام، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶۸. هژبری، مرضیه، ۱۳۹۵. روایت‌شناسی زنانه‌ی رمان‌های نویسندگان زن دهه‌ی هشتاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات روایی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، استاد راهنما: رویین-تن فرهمند.